



University of Tehran Press

Private Law

Online ISSN: 2423-6209

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Interpretation of Adapted Rules: Applications and Approaches

Ali Sadeghi¹ | Mohammad Mehryar^{2*} | Seyede Fatemeh Hashemi³

1. Department of Private Law, Faculty of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: alisadeghi.un@gmail.ir

2. Corresponding Author, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: m.mehryar@urd.ac.ir

3. Department of Private Law, Faculty of Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: sf.hashemi@urd.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received August 13, 2024
Revised December 23, 2024
Accepted December 24, 2024
Published online 18 March 2025

Keywords:
Adaptation from law,
Source law,
Interpretation of law,
Legal principles,
Comparative law.

ABSTRACT

Adaptation of law from other countries is a phenomenon that has played an important role in the formation and evolution of modern legal systems. This process accelerated especially in the last century due to modernization and globalization. Iran is not an exception to this rule, and the adaptation of laws from other countries has been considered as a way to modernize the legal system. The present study examines the challenges of interpreting the adapted laws in Iran's legal system and explores the importance of the factors and approaches in the interpretation of the adapted laws. The discussion of the interpretation of the adapted laws leads to a more accurate understanding, more effective implementation of these laws and greater coordination of the Iranian legal system with international standards. Despite the multitude of adapted laws and existing challenges, two main approaches can be distinguished: the traditional interpretation based on domestic legal principles and foundations, and the interpretation of legal exceptionalism which emphasizes attention to the origin of the adapted law. This research, using the descriptive-analytical method, while expressing the characteristics of the adapted laws and some examples of the principles governing the source law, examines the interpretive challenges and different approaches in addressing these challenges.

Cite this article: Sadeghi, A.; Mehryar, M. & Hashemi, F. (2024-2025). Interpretation of Adapted Rules: Applications and Approaches. *Private Law*.21 (2), 309-322. <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.380778.1007323>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.380778.1007323>



تفسیر قوانین مقتبس؛ کاربردها و رویکردها

علی صادقی^۱ | محمد مهریار^{۲*} | سیده فاطمه هاشمی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: alisadeghi.un@gmail.ir
۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: m.mehryar@urd.ac.ir
۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. رایانامه: sf.hashemi@urd.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه:

اصول حقوقی،

اقتباس قانون،

تفسیر قانون،

حقوق تطبیقی،

قانون مأخذ.

اقتباس قانون از کشورهای دیگر پدیده‌ای است که نقش مهمی در شکل‌گیری و تکامل نظام‌های حقوقی مدرن ایفا کرده است. این فرایند که در مباحث حقوقی به عنوان «پیوند حقوقی» شناخته می‌شود به‌ویژه در قرن اخیر با مدرنیزاسیون و جهانی شدن شتاب بیشتری گرفت. در این میان، ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اقتباس قانون از سایر کشورها به عنوان راهکاری برای نوسازی نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های تفسیر قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و اهمیت کارکردها و رویکردها در تفسیر قانون مقتبس را مورد کنکاش قرار می‌دهد. بحث از تفسیر قوانین مقتبس، به فهم دقیق‌تر، اجرای مؤثرتر این قوانین، و هماهنگی بیشتر نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی می‌انجامد. با وجود کثرت قوانین مقتبس و چالش‌های موجود دو رویکرد عمده قابل تشخیص است؛ تفسیر سنتی که بر اساس اصول و مبانی حقوقی داخلی صورت می‌گیرد و تفسیر استثناگرایی حقوقی که بر توجه به منشأ قانون مقتبس تأکید دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی ضمن بیان ویژگی‌های قوانین مقتبس و برخی مصادیق اصول حاکم بر قانون مأخذ به بررسی چالش‌های تفسیری و رویکردهای مختلف در حل این چالش‌ها می‌پردازد.

استناد: صادقی، علی؛ مهریار، محمد و هاشمی، فاطمه (۱۴۰۳). تفسیر قوانین مقتبس؛ کاربردها و رویکردها. حقوق خصوصی، ۲۱ (۲) ۳۰۹-۳۲۲.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2024.380778.1007323>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2024.380778.1007323>



مقدمه

در تکامل نظام‌های حقوقی، اقتباس قانون از کشورهای دیگر برای نوسازی ساختارهای قانونی مورد توجه قرار گرفته است. این فرایند، که گاه «پیوند حقوقی» یا «انتقال قانون» نامیده می‌شود، در دوران معاصر اهمیت بیشتری یافته است. ایران نیز از اواخر دوره قاجار گام‌هایی در جهت مدرن‌سازی نظام حقوقی خود از طریق اقتباس قوانین برداشته است. قانون مدنی ایران، که تا حد زیادی از قانون مدنی فرانسه الهام گرفته، و قانون تجارت، که عمدتاً بر اساس قوانین فرانسه و آلمان تدوین شده، نمونه‌های بارز این اقتباس قانونی هستند. فرایند اقتباس قانون در ایران با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها تفسیر قوانین مقتبس است. سؤال اساسی این است که آیا در تفسیر قوانین اقتباس‌شده باید اصول حاکم بر قانون مأخذ را نیز پذیرفت؟ این موضوع به‌ویژه در مواردی که مفاهیم و اصول حقوقی مورد اقتباس در نظام حقوقی سنتی و فقهی ایران معادل مستقیمی ندارند اهمیت بیشتری می‌یابد.

پذیرش یا عدم پذیرش اصول قانون مأخذ می‌تواند تأثیر عمیقی بر اجرای این قوانین در ایران داشته باشد. پذیرش این اصول می‌تواند به درک بهتر قوانین کمک کند. اما ممکن است با چالش‌هایی در سازگاری با اصول فقهی مواجه شود. در این زمینه، بررسی رویکرد نظام حقوقی ایران به این مسئله حائز اهمیت است. این بررسی می‌تواند به درک بهتر از چگونگی تعامل نظام حقوقی ایران با قوانین مقتبس و نحوه حل تعارضات احتمالی بین اصول حقوقی وارداتی و بومی منجر شود. در ادامه، به بررسی دقیق‌تر جوانب مختلف این موضوع، از جمله مبانی نظری پذیرش یا عدم پذیرش اصول قانون مأخذ، خواهیم پرداخت. بحث از تفسیر قوانین مقتبس از آن جهت دارای اهمیت است که بدون درک صحیح و انطباق مناسب این قوانین ممکن است به تعارضات حقوقی، ابهامات در اجرا، و حتی نقض اصول داخلی منجر شوند. این مقاله تلاش می‌کند به این موضوع بپردازد و راهکارهایی برای تفسیر مؤثرتر این قوانین ارائه دهد.

تفسیر در معنای لغوی عبارت است از «هویدا کردن، بیان معانی سخن، و کشف مقصود گوینده» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۶۰۰۳). تعاریف حقوقدانان برای «تفسیر» متفاوت است. ژنی^۱ قائل است: «تفسیر قانون عبارت است از آشکار ساختن قاعده یا قواعد حقوقی به عنوان مقدمه‌ای برای تطبیق آن بر حالات و شرایط خاصی که پدید می‌آید.» (به نقل از بابایی‌مهر، ۱۳۸۸: ۱۶۷). از این تعریف مشخص است که برخی حقوقدانان تفسیر قانون را جدای از مراحل تطبیق و اجرای آن نمی‌دانند و معتقدند که این دو بخش ضمناً در حیطه تفسیر قرار دارند. در مقابل، برخی تفسیر را پیش‌شرطی برای اجرا و تطبیق در نظر می‌گیرند؛ همان‌طور که دکتر کاتوزیان تفسیر قانون را «تعیین معنای صحیح و گستره قاعده حقوقی» تعریف کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۲۳). در این مقاله، تفسیر قوانین مقتبس به معنای تحلیل و روشن کردن معانی و اهداف قوانین اقتباس‌شده از نظام‌های حقوقی دیگر است؛ طوری که این قوانین با اصول حقوقی، فرهنگی، و اجتماعی کشور مقصد همخوانی داشته باشند. منظور ما از تفسیر این قوانین تلاش برای درک دقیق اصول و مبانی قوانین مأخذ و انطباق آن‌ها با نظام حقوقی داخلی است. این تفسیر شامل بررسی معنای دقیق اصطلاحات، اهداف قانون‌گذار اولیه، و نحوه سازگاری با نیازهای بومی است.

اقتباس قانون و ویژگی‌های آن

اقتباس قوانین یکی از راهبردهای مهم در فرایند توسعه و تطبیق نظام‌های حقوقی است که به واسطه آن یک نظام حقوقی می‌تواند از تجربیات و دستاوردهای دیگر نظام‌ها بهره‌مند شود. این فرایند با انتقال اصول، ساختارها، و اصطلاحات قانونی از یک سیستم به سیستم دیگر امکان بهبود کیفیت قوانین و همگام‌سازی آن‌ها با تحولات جهانی را فراهم می‌آورد. از دیرباز، جوامع مختلف برای ایجاد یک نظام حقوقی کارآمد توجه ویژه‌ای به الگوهای موفق در سایر کشورها داشته‌اند. در این زمینه، اقتباس قوانین اغلب برای رفع نیازهای حقوقی نوظهور، تسهیل فرایند قانون‌گذاری، یا انطباق با استانداردهای بین‌المللی به کار گرفته شده است. با این حال، اقتباس قوانین تنها به معنای ترجمه یا کپی‌برداری نیست؛ بلکه فرایندی است که نیازمند بازنگری و تطبیق قوانین با ارزش‌ها، نیازها، و شرایط محلی است. این امر از یک سو می‌تواند به توسعه نظام حقوقی کمک کند و از سوی

دیگر چالش‌هایی مانند ابهام در تفسیر یا عدم تناسب با فرهنگ و نظام حقوقی داخلی را به همراه داشته باشد. بررسی اقتباس قوانین در ایران، علاوه بر نشان دادن تأثیرپذیری نظام حقوقی کشور از سایر سیستم‌ها، اهمیت ایجاد تعادل میان الهام‌گیری از دیگر کشورها و حفظ هویت حقوقی داخلی را برجسته می‌کند.

مفهوم اقتباس قانون

اقتباس در لغت به معنی «اخذ و انتقال گفتار یا نوشته‌ای از متنی به متن دیگر» (عمید، ۱۳۷۵: ۱۵۲) و در اصطلاح حقوقی به معنای «بهره‌گیری و الگوبرداری یک نظام حقوقی از نظام حقوقی دیگر» است که می‌تواند شامل مواردی چون الگوبرداری از ساختار، اصول، اصطلاحات، و ترجمه مستقیم برخی متون قانونی باشد. در این زمینه، عبارت «قوانین مقتبس» به آن دسته از قوانین اشاره دارد که از یک سیستم حقوقی به سیستم حقوقی دیگر منتقل و در آنجا به کار گرفته می‌شوند. این پدیده بخشی از فرایند تطبیق و اقتباس حقوقی است که در آن قوانین، مفاهیم، رویه‌ها، و ایده‌های حقوقی از یک فرهنگ حقوقی به فرهنگ حقوقی دیگر منتقل می‌شوند.

مدرن‌سازی نظام حقوقی، کمبود منابع و تجربه کافی، تسهیل فرایند قانون‌گذاری، تمایل به هماهنگ‌سازی قوانین داخلی با قواعد و استانداردهای بین‌المللی، جلوگیری از اشتباهات احتمالی با اقتباس قوانینی که در عمل آزموده شده‌اند، وجود قرابت بین نظام‌های دینی و حقوقی و سیاسی، و نیز تسهیل همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی با همسان‌سازی قوانین داخلی و خارجی از جمله عواملی است که مؤثر در اقتباس قانون است.

در این فرایند، قوانین مقتبس ممکن است تغییراتی را برای سازگاری با شرایط محلی و فرهنگی جدید تجربه کنند. قوانین مقتبس معمولاً باید به گونه‌ای بازنگری و تطبیق داده شوند تا با ارزش‌ها، اصول حقوقی، و نیازهای جامعه‌ای که در آن اجرا می‌شوند همخوانی داشته باشند. این قوانین ممکن است از منابع مختلفی مانند قوانین دیگر کشورها، معاهدات بین‌المللی، یا حتی اصول عمومی حقوق بین‌الملل گرفته شوند.

حقوق ایران هم از تأثیرپذیری از قوانین سایر کشورها مستثنا نیست؛ طوری که برخی از قوانین اساسی و مهم کشور ما متأثر از قوانین نقاط دیگر جهان تدوین شده‌اند. مثلاً، قانون مدنی ایران برگرفته از قانون مدنی فرانسه است، چنان که خالق قانون مدنی ایران نیز به صراحت به این موضوع اشاره کرده است (فاطمی، ۱۳۹۶: ۸۲). همچنین، با بررسی و مقایسه قانون مدنی فرانسه (که در سال ۱۸۰۴ میلادی به تصویب رسیده) با قانون مدنی ایران مشخص می‌شود که ساختار کلی و تقسیم‌بندی قانون مدنی ایران بر اساس الگوی فرانسوی شکل گرفته است که به نظر می‌رسد انتخاب قانون مدنی فرانسه به عنوان الگو برای قانون مدنی ایران نه به صورت اتفاقی بلکه با بررسی و تحقیق انجام شده است. زیرا بین اصول حقوقی اسلام و سیستم حقوقی رم باستان (که به عنوان منبع قانون مدنی فرانسه شناخته می‌شود) نزدیکی قابل توجهی وجود دارد (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). نمونه دیگر از قوانین مقتبس در ایران قانون تجارت است. قانون تجارت ایران مصوب سال ۱۳۱۱ از قانون تجارت فرانسه الگوبرداری شده است. قانون تجارت فرانسه مصوب سال ۱۸۰۷ میلادی تحت عنوان «کد تجارت ناپلئون» شناخته می‌شود (اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۵). ساختار، محتوا، و حتی عناوین اکثر مواد قانون تجارت ایران ترجمه تقریباً کامل متن فرانسوی است. در برخی موارد جزئی، متن قانون با واقعیات ایران تطبیق داده شده است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۲۶). قانون‌گذار تلاش کرده تا حد امکان اصطلاحات حقوقی فرانسوی را به فارسی ترجمه کند. با این حال همچنان واژگان و اصطلاحات زیادی از فرانسوی به صورت عینی در قانون به کار رفته است (حقیقی و مرادی، ۱۳۷۵: ۱۱۰). قانون تجارت الکترونیک ایران قانون دیگری است که عمدتاً از مدل قانون تجارت الکترونیک آنسیترال^۱ الگوبرداری شده است. کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۶ الگویی برای قانون تجارت الکترونیک ارائه کرد که بسیاری از کشورها از جمله ایران از آن الگوبرداری کردند (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۹). قانون تجارت الکترونیک ایران را نمی‌توان به طور کامل برگرفته از مدل آنسیترال دانست. زیرا میان این دو تفاوت‌ها و تمایزهای قابل توجهی وجود دارد. مثلاً، برخی مواد قانون ایران با توجه به شرایط خاص کشور اصلاح و بومی‌سازی شده‌اند. در

1. UNCITRAL (united nations commission on international trade law)

زمینه‌هایی مانند مقررات مرتبط با حریم خصوصی قانون ایران رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ کرده است. همچنین، برخی مفاهیم و اصطلاحات در این قانون با تعاریف متفاوتی نسبت به مدل آنسیترال ارائه شده‌اند. علاوه بر این، قانون ایران در برخی موارد، به‌ویژه در مقررات نظارتی و اجرایی، رویکردی سختگیرانه‌تر از مدل آنسیترال دنبال کرده است (ابهریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۷). بنابراین در مجموع قانون تجارت الکترونیک ایران تفاوت‌هایی با مدل آنسیترال دارد. اما به طور کلی ساختار و مفاد آن برگرفته از الگوی آنسیترال و نشان‌دهنده تأثیرپذیری از حقوق بین‌الملل در این زمینه است.

ویژگی‌های قوانین مقتبس

اقتباس از قوانین کشورهای دیگر، به‌ویژه فرانسه، در شکل‌گیری نظام حقوقی ایران نقش برجسته‌ای داشته و منجر به ورود مفاهیم، اصطلاحات، و ساختارهای جدیدی به این نظام شده است. این فرایند اقتباس، علاوه بر انتقال مفاهیم حقوقی، ویژگی‌های منحصربه‌فردی در قوانین ایران ایجاد کرده است که شناخت آن‌ها برای درک بهتر تعامل میان حقوق داخلی و خارجی ضروری است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به استفاده از واژگان و اصطلاحات قانون مأخذ، تأثیرپذیری از مکاتب حقوقی، و الگوبرداری از ساختار و محتوای قوانین اصلی اشاره کرد. بررسی دقیق این ابعاد چگونگی انطباق و بومی‌سازی قوانین اقتباسی در نظام حقوقی ایران را روشن‌تر می‌سازد.

استخدام واژگان و اصطلاحات قانون مأخذ

در قانون مدنی ایران، حدود ششصد واژه و اصطلاح حقوقی فرانسوی به کار رفته است. در بسیاری از موارد، این واژگان به دلیل نبود ترجمه دقیق فارسی، مستقیماً و بدون تغییر وارد زبان حقوقی ایران شده‌اند (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۲۶). مثلاً، اصطلاح «فورس ماژور» که معادل فارسی آن «قوة قهریه» است، بدون ترجمه به عنوان یک اصطلاح حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است.

در قوانین تجارت و تجارت الکترونیک نیز اصطلاحاتی مانند «چک‌های تجاری»، «شرکت‌های تجاری»، «داوری تجاری»، «داده‌پیام‌های الکترونیکی»، «حق انصراف از قبول»، و «شروط غیر منصفانه» از قانون تجارت فرانسه و مدل آنسیترال اقتباس شده‌اند. این واژگان اغلب به صورت ترجمه دقیق و بدون هیچ‌گونه تغییری در قانون ایران به کار رفته‌اند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۶). به طور خاص، در قانون تجارت الکترونیک ایران، اصطلاحاتی مانند «تجارت الکترونیکی»، «اسناد الکترونیکی»، «امضای الکترونیکی»، «شناسه الکترونیکی»، «حق انصراف از قبول»، «فروش خدمات»، «شروط غیر منصفانه»، و «مشتبه شدن مخاطب» نیز از مدل آنسیترال گرفته شده و به همان صورت وارد نظام حقوقی کشور شده‌اند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۶).

این شیوه اقتباس، به‌ویژه در مواردی که اصطلاحات وارداتی فاقد تعریف یا تطبیق با مفاهیم موجود در حقوق ایران هستند، زمینه بروز ابهامات و اختلافات جدی در تفسیر و اجرای قوانین را فراهم کرده است. مثلاً، اصطلاح «افراد ناتوان» که در قانون تجارت الکترونیک به کار رفته است ممکن است معادل «محجوران» در حقوق مدنی تلقی شود. اگر چنین باشد، عدول از اصطلاح شناخته‌شده «محجوران» چه توجیهی دارد؟ و اگر غیر از آن است، چرا تعریف روشنی از آن ارائه نشده است؟ همچنین، مفهوم «شروط غیر منصفانه» یکی دیگر از موارد مبهم است. این سؤال مطرح می‌شود که در چه شرایطی می‌توان شرطی را غیر منصفانه تلقی کرد؟ آیا این تشخیص بر عهده دادگاه است یا معیار مشخصی برای تعیین آن وجود دارد؟ علاوه بر این، نسبت این شروط با «شروط باطل» در حقوق مدنی چیست؟ و ضمانت اجرای چنین شروطی چگونه تعریف می‌شود؟ آیا بطلان شرط حق فسخ عقد اصلی یا هر دو مورد را شامل می‌شود؟ (الشریف و سعدی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

تأثیرپذیری از مکاتب و نظریات حقوقی قانون مأخذ

اقتباس قوانین ایران از نظام‌های حقوقی خارجی، به‌ویژه فرانسه، موجب تأثیرپذیری عمیق از مکتب حقوقی این کشور شده است. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تأثیرپذیری تمرکز بر حقوق طبیعی و ذاتی افراد به جای حقوق الهی است. این رویکرد تأکید ویژه‌ای بر حقوق فردی، آزادی‌های مدنی، و اصل تساوی شهروندان در برابر قانون دارد. به‌علاوه، قانون‌گرایی و صراحت متون

قانونی، حمایت از مالکیت خصوصی، آزادی اراده طرفین در قراردادهای، و جبران خسارات مادی و معنوی از اصولی هستند که از مکتب حقوق طبیعی فرانسه به حقوق مدنی ایران راه یافته‌اند. همچنین، مفاهیمی چون مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر، توجه به حقوق مالکیت فکری و اختراعات، و تلاش برای ساده‌سازی و وضوح قوانین برای درک بهتر عامه مردم از دیگر نشانه‌های این تأثیرپذیری به شمار می‌روند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۸).

در حوزه قانون تجارت نیز ردپای مکتب حقوق طبیعی فرانسه به وضوح قابل مشاهده است. مثلاً، نقش قاضی در تفسیر و تکمیل مواد قانونی تجارت، تأکید بر آزادی اراده طرفین در قراردادهای تجاری، و پذیرش مسئولیت تضامنی بر اساس توافق از ویژگی‌هایی هستند که از این مکتب الهام گرفته‌اند. همچنین، کاربرد تئوری ظاهر در مباحث مرتبط با شرکت‌ها یکی دیگر از مصادیق تأثیر مکتب حقوقی فرانسه بر قانون تجارت ایران محسوب می‌شود. این موارد نشان‌دهنده عمق اقتباس نظام حقوقی ایران از ساختارها و مفاهیم حقوقی فرانسه است.

الگو برداری از ساختار، عناوین، و متن

شیوه‌های اقتباس حقوق ایران از نظام‌های حقوقی خارجی، به‌ویژه فرانسه، به شکل‌های گوناگونی انجام شده است. در برخی موارد، اقتباس به صورت الگوگیری از قالب مواد قانونی و تنظیم محتوا بر اساس مبانی فقه امامیه صورت گرفته است. مثلاً، ماده ۶۲۱ قانون مدنی ایران برگرفته از ماده ۱۹۱۵ قانون مدنی فرانسه و ماده ۶۵۶ قانون مدنی ایران متأثر از ماده ۱۹۸۴ همان قانون است. در برخی دیگر، اقتباس در ساختار و تقسیم‌بندی مشهود است. مثلاً، قانون مدنی فرانسه بر اساس دو بخش کلی «اشخاص» و «اموال» تنظیم شده است و این تقسیم‌بندی در قانون مدنی ایران نیز رعایت شده است. در قانون تجارت ایران نیز می‌توان ساختاری مشابه قانون تجارت فرانسه مشاهده کرد که نشان‌دهنده الگو برداری مستقیم از این نظام حقوقی است. همچنین، برخی از عناوین و مفاهیم حقوقی نیز به طور مستقیم از قوانین فرانسه اقتباس شده‌اند. عناوینی مانند «تابعیت»، «اقامتگاه»، و «غائب مفقودالثر» نمونه‌هایی از این اقتباس‌ها هستند. علاوه بر این، در مواردی مواد قانونی عیناً ترجمه شده‌اند. مثلاً مواد ۳۰۱، ۳۰۲، و ۲۶۹ قانون مدنی ایران به ترتیب ترجمه مواد ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، و ۱۲۳۸ قانون مدنی فرانسه هستند. این اقتباس‌ها بیانگر تأثیر عمیق حقوق فرانسه بر نظام حقوقی ایران است (ره‌پیک، ۱۳۸۴: ۸۲).

کار بست قانون مقتبس در حقوق ایران

کار بست به معنای استفاده و به‌کارگیری عملی قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران است. به طور دقیق‌تر، کار بست به فرایند عملیاتی کردن و به‌کارگیری قوانین و مفاهیم حقوقی اقتباس‌شده از نظام‌های حقوقی خارجی در بستر نظام حقوقی داخلی، که شامل تفسیر و تطبیق و اجرای این قوانین با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و حقوقی کشور پذیرنده می‌شود، اطلاق می‌شود. این مفهوم دربرگیرنده چالش‌ها، رویکردها، و راهکارهای مرتبط با استفاده از قوانین مقتبس در عمل است و نحوه تعامل این قوانین با اصول حقوقی داخلی و نیازهای بومی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در نظام حقوقی ایران، مبنای اعتبار هنجارها و مفاهیم حقوقی عمدتاً بر اساس فقه اسلامی و قانون اساسی است. در مقابل، بسیاری از قوانین مقتبس از نظام‌های حقوقی غربی، به‌ویژه فرانسه، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد دارای مبنای اعتباری متفاوتی هستند که عمدتاً بر پایه حقوق طبیعی و اصول لیبرالیسم حقوقی استوار است. قوانین مقتبس در قانون ایران اگرچه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد متعدد است، در این مقاله به دو موردی که دارای چالش‌های بیشتری در دکتین حقوقی ایران است اشاره می‌شود. این دو مورد عبارت‌اند از بطلان نسبی درج‌شده در قانون تجارت و قانون دریایی و همچنین حق انصراف بیان‌شده در قانون تجارت الکترونیک. مفهوم بطلان نسبی که در قانون تجارت ایران وارد شده ریشه در نظام حقوقی فرانسه دارد؛ درحالی‌که مبنای اعتبار این مفهوم در حقوق فرانسه اصل آزادی اراده و حمایت از منافع خصوصی افراد است. در نظام حقوقی ایران، اعتبار معاملات عمدتاً بر اساس اصول فقهی مانند «وفوا بالعقود» و «المومنون عند شروطهم» سنجیده می‌شود؛ چنان‌که مفهوم حق انصراف که در قانون تجارت الکترونیک ایران از قوانین بین‌المللی اقتباس شده است با اصل لزوم قراردادها در فقه اسلامی به‌ظاهر در تعارض قرار می‌گیرد. این مفهوم در قوانین غربی با هدف حمایت از مصرف‌کننده و ایجاد توازن اطلاعاتی مطرح شده

است. اما در فقه اسلامی اصل اولیه بر وفای به عهد و پابندی به قراردادهای استوار است. این تفاوت در مبانی اعتبار چالشی در تفسیر و اجرای حق انصراف در نظام حقوقی ایران ایجاد می‌کند؛ اگرچه چالش‌های دیگری نیز در ارتباط با قوانین اقتباسی در نظام حقوقی ایران مشاهده می‌شود. مثلاً، اصل حسن نیت یکی از اصولی است که به صراحت در برخی از قوانین ایران مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹، بند ۴ مورد «ج» ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم، و نام‌های تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۳، مواد ۳ و ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۵۴ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱، و کلیه توافقی‌نامه‌ها یا موافقت‌نامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری میان ایران و سایر کشورها. با این حال، این اصل میان حقوقدانان مورد اختلاف است. عده‌ای از آن حمایت کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۸؛ صفایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۹) و عده‌ای با آن مخالف‌اند (عدل، ۱۳۷۸: ۱۳۳؛ رسایی‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۷).

همچنین، اصل تقدم تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد یکی دیگر از موارد چالشی در حقوق ایران است. این اصل از مواد مختلفی از جمله مواد ۱۲۹۹ (بند ۲)، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۴، و ۱۳۰۵ قانون مدنی، ماده ۶ قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲، ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، و ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸/۰۷/۱۵ قابل استنباط است. با وجود این، دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد (قشقایی، ۱۳۷۸: ۲۳۳؛ حبیبی، ۱۳۹۲: ۳۲۴؛ شمس، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۲۴).

در ادامه، دو مورد از مهم‌ترین مصادیق قوانین اقتباسی در حقوق ایران بررسی می‌شود و رویکردهای مختلف در تفسیر این قوانین مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

بطال نسبی^۱

بطال نسبی در نظام حقوقی فرانسه به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک توافق تنها برای یکی از طرفین غیر معتبر شناخته می‌شود. در چنین حالتی، تنها طرف متضرر حق دارد به دادگاه مراجعه و درخواست اعلام بطلان توافق از ابتدا را مطرح کند. در عین حال، این طرف مختار است توافق را به قوت خود باقی بگذارد. در نتیجه توافق همچنان پیامدهای قانونی خود را خواهد داشت. از سوی دیگر، طرف مقابل از حق درخواست ابطال محروم است (Flour et al., 2002: 282).

در بررسی مفهوم بطلان در حقوق ایران، برخی حقوقدانان معتقدند قانون مدنی تنها یک نوع بطلان را به رسمیت می‌شناسد که آن نیز در تقابل با مفهوم عدم نفوذ قرار می‌گیرد (کیانوری، بی تا: ۲۰). این دیدگاه با نظام‌های حقوقی اروپایی که بطلان را به دو دسته مطلق (ذاتی) و نسبی (اضافی) تقسیم می‌کنند تفاوتی بنیادین دارد.

گروهی دیگر از پژوهشگران، از جمله شهیدی (۱۳۸۱: ۷۱ - ۷۲)، با شدت بیشتری با پذیرش بطلان نسبی در نظام حقوقی ایران مخالفت می‌ورزند. این دسته نه تنها وجود بطلان نسبی در قانون مدنی را انکار می‌کنند، بلکه حتی مصادیق احتمالی مطرح شده در قانون تجارت را، که برخی آن‌ها را نمونه‌هایی از بطلان نسبی می‌دانند، رد می‌کنند. آنان بر این باورند که در مواردی اشتباه مفهومی میان بطلان نسبی و عدم قابلیت استناد به عقد رخ داده است. این اشتباه به تفاسیر نادرست از مواد قانونی و در نتیجه ارائه نمونه‌های نامعتبر از بطلان نسبی منجر شده است. به عبارت دیگر، مفهومی که در نظام حقوقی فرانسه به عنوان بطلان نسبی شناخته می‌شود در نظام حقوقی ایران مصداقی ندارد (کریمی و ایزدپناه، ۱۳۹۴: ۸۴).

برخی از حقوقدانان با دیدگاهی گسترده‌تر و منعطف‌تر به موضوع بطلان نسبی در نظام حقوقی ایران پرداخته و نمونه‌های متعددی از آن را در قوانین مختلف، از جمله قانون مدنی و قانون تجارت و سایر مقررات، شناسایی کرده‌اند. این گروه فهرستی گسترده از مواد قانونی ارائه داده‌اند که به ادعای آن‌ها بیانگر پذیرش ضمنی یا صریح بطلان نسبی در حقوق ایران است. از جمله این مواد می‌توان به مواد ۶۵، ۵۷، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۴۷، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۹۱، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۴۱، ۴۴۸، و ۸۱۶ قانون مدنی، ماده ۱۷۹ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳، مواد ۴۰، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، و ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت، و در قانون تجارت فعلی مواد ۱۰۰، ۱۰۵، ۴۲۳، ۴۲۴، و ۴۲۵ اشاره کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۰۵؛ نوین، ۱۳۹۴: ۸۴ - ۱۱۲).

1. l'a nulite relative (annullable)

این حقوقدانان بر این باورند که مفهوم بطلان نسبی در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در بستر قوانین یادشده، هم‌سو با مفهومی است که در نظام حقوقی فرانسه پذیرفته شده است (عدل، ۱۳۷۸: ۱۲۸). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم ابطال جزئی در حقوق ایران کاملاً بیگانه نیست و در موارد محدودی به صورت خاص و موردی در قوانین ما گنجانده شده است.

حق انصراف^۱

کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (۲۰۰۵) سازمان ملل متحد گامی مهم در زمینه تنظیم مقررات تجارت الکترونیک در سطح بین‌المللی برداشته است. ماده ۱۴ این کنوانسیون مفهوم «انصراف از ارتباط الکترونیکی» را معرفی می‌کند که به مصرف‌کنندگان این امکان را می‌دهد که در شرایط خاص از قراردادهای خود انصراف دهند.

پس از الحاق ایران به این کنوانسیون، قانون تجارت الکترونیک ایران با الهام از قوانین نمونه آنسیترال و «دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از مصرف‌کنندگان در قراردادهای از راه دور» چارچوبی قانونی برای تجارت الکترونیک ایجاد کرده است (شیروی، ۱۳۸۹: ۴۱۶). در این قانون، مفهوم «حق انصراف» از کنوانسیون یادشده اقتباس شده و تحت عنوان «حق انصراف قرارداد از راه دور» در مواد ۳۷، ۳۸، ۴۵، و ۴۶ گنجانده شده است.

مقایسه این دو منبع نشان‌دهنده شباهت‌های قابل توجهی است. در هر دو «انصراف» از قرارداد به معنای صرف‌نظر از آن است و از نظر اصطلاحی به عنوان اعلام اراده یک‌جانبه مصرف‌کننده برای پایان دادن به قرارداد بدون نیاز به رضایت طرف مقابل تعریف می‌شود. این تعریف مشترک نشان‌دهنده ماهیت خاص و قدرتمند این حق است.

با این حال، این شباهت‌ها نباید منجر به استنباط یکسان بودن کامل ماهیت حق انصراف در این دو منبع شود. ماهیت حق انصراف در قوانین مختلف همچنان مفهومی غیر بومی و پیچیده باقی مانده است. سؤالی که همچنان مطرح است این است که آیا حق انصراف همانند حق فسخ عمل می‌کند یا اینکه یک نهاد خاص است که تأثیر معکوس دارد و موجب بی‌اعتباری قرارداد از ابتدا می‌شود (السان، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

رویکردها در مواجهه با تفسیر قوانین مقتبس

نوع رویکرد به این اصول اعم از پذیرش و نوع تفسیر و جانمایی در حقوق ایران، با توجه به آثاری که هر کدام از این رویکردها به دنبال دارند، حائز اهمیت است. در این راستا سه رویکرد در مواجهه با اصول مذکور و مشابه آنان متصور است؛ نخست تفسیر و تطبیق این مفاهیم و اصول مقتبس با اصول پذیرفته‌شده در فقه و حقوق ایران، رویکرد دوم قائل شدن به جنبه استثنائی این اصول به این معنا که استثنائی بر نظام حقوقی کشور هستند، مثلاً در قانون تجارت اصل و مفهومی به نام بطلان نسبی وجود دارد با اینکه در قانون مدنی مورد پذیرش قرار نگرفته است، سوم ارائه راهکار مناسب با عنوان تفسیر سازگار با در نظر گرفتن سازگاری مبنای اعتبار مفاهیم اقتباس شده با نظام حقوقی ایران، ایجاد تعادل بین احترام به مبانی قانون مأخذ و توجه به نیازهای داخلی، راهکاری مناسب برای تفسیر قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران ارائه می‌دهد. این رویکرد ضمن حفظ هویت حقوقی داخلی امکان بهره‌مندی از تجربیات حقوقی سایر کشورها را فراهم و به توسعه و تکامل نظام حقوقی کمک می‌کند.

رویکرد تفسیر سنتی

برخی از حقوقدانان در مواجهه با مفاهیم اقتباس‌شده از قوانین خارجی، به تفسیر، تطبیق، و بومی‌سازی این مفاهیم با اصول حقوقی ایران می‌پردازند. مثلاً، اکثر حقوقدانان «بطلان نسبی» را معادل عدم نفوذ می‌دانند (← عدل، ۱۳۷۸: ۱۲۸؛ امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۲۸؛ درودیان، ۱۳۷۳: ۱۳۴؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۷۲؛ بروجدی عبده، ۱۳۸۰: ۹۸ - ۹۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۴۰: ۲۲۰ - ۲۲۱). برخی دیگر نیز پیشنهاد می‌کنند که از عبارت «قابل ابطال» استفاده شود که با مفاهیم فقهی ایران سازگاری بیشتری دارد (شهیدی، ۱۳۸۱: ۴۴).

این رویکرد تفسیری، به دور از ترجمه صرف یا انتقال مکانیکی اصول حقوقی، با ترکیب تفاسیر لفظی، تاریخی، غایی و منطقی و در کنار ماهیتی عمیقاً انطباقی در پی ایجاد پلی میان نظام حقوقی مبدأ و مقصد است. فرایند انطباقی مستلزم درک دقیق هر دو نظام حقوقی است و نیازمند تلاش برای یافتن نقاط تلاقی میان آنهاست تا اصل مقتبس بتواند به طور مؤثر در بافت حقوقی جدید عمل کند. در این تفسیر، اصل حقوقی اقتباس شده نه تنها باید از نظر فنی قابل اجرا باشد، بلکه باید با ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات اجتماعی در کشور مقصد همخوانی داشته باشد.

فرایند تفسیر سنتی را می‌توان به عنوان یک مسیر پیوسته و چندمرحله‌ای در نظر گرفت که از درک اولیه اصل حقوقی در نظام مبدأ آغاز می‌شود و تا انطباق کامل آن با نظام حقوقی مقصد ادامه می‌یابد. در ابتدا حقوقدانان باید معنای دقیق واژگان، اصطلاحات و مفاهیم را در زبان و نظام حقوقی مبدأ درک کنند و هم‌زمان زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و تکامل این اصل را مورد بررسی قرار دهند. گام بعد، بررسی دقیق ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای اجتماعی جامعه مقصد است که می‌تواند بر نحوه درک و اجرای اصل حقوقی تأثیرگذار باشد. هم‌زمان، حقوقدانان باید به دنبال یافتن معادل‌ها یا مفاهیم مشابه در نظام حقوقی مقصد باشند. مرحله بعدی، که می‌توان آن را قلب فرایند تفسیر سنتی دانست، تطبیق و انطباق اصل با توجه به شرایط بومی است. در این مرحله، حقوقدانان باید با دقت و ظرافت اصل حقوقی را طوری بازتفسیر و بازتعریف کنند که با ساختارهای فقهی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی کشور مقصد هماهنگ شود، بدون آنکه جوهره و هدف اصلی آن از دست برود. سرانجام، چگونگی تعامل اصل بومی شده با سایر قوانین و ارزیابی آثاری چون روابط قراردادی و تجاری، تغییرات احتمالی در رویه قضایی، حقوق شهروندان و مصرف‌کنندگان و میزان هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی مرحله پایانی این فرایند است.

هدف اصلی این رویکرد، سازگاری با اصول حقوق اسلامی است. این هدف مستلزم تحلیل عمیق و چندوجهی است که در آن حقوقدانان و فقها باید مفاهیم نوین را با منابع اصیل فقهی تطبیق دهند. چالش اساسی در این زمینه یافتن نقاط تلاقی بین مفاهیم مدرن حقوقی و اصول فقهی است. زیرا بسیاری از این مفاهیم به طور مستقیم در متون فقهی نیامده‌اند. این فرایند نه تنها به حفظ هویت اسلامی نظام حقوقی ایران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند موجب غنی‌سازی و پویایی فقه اسلامی شود. هدف دیگر این رویکرد تطبیق با قوانین موجود در ایران است. این امر شامل بررسی دقیق قوانین فعلی برای یافتن مفاهیم مشابه یا قابل تطبیق، تفسیر گسترده از قوانین موجود برای گنجاندن مفاهیم جدید، و در صورت لزوم پیشنهاد اصلاح یا تدوین قوانین جدید می‌شود. این فرایند به انسجام نظام حقوقی کمک و از بروز تعارض‌های احتمالی بین قوانین جدید و قدیم جلوگیری می‌کند.

رویکرد استثنای حقوقی

رویکرد استثنای حقوقی در حقوق به وجود قواعد یا اصولی اشاره دارد که از چارچوب کلی و عمومی حاکم بر یک موضوع خاص فراتر می‌روند یا با آن تفاوت دارند. این استثنایا عمدتاً به منظور پاسخ به شرایط خاص یا نیازهای ویژه در نظام حقوقی ایجاد می‌شوند. ویژگی‌های اصلی استثنای حقوقی عبارت‌اند از محدودیت در دامنه اعمال، تفسیر مضیق، عدم قابلیت تعمیم به موارد مشابه بدون تصریح قانونی و وجود دلایل خاص و موجه برای وضع آن. استثنایا ممکن است برای تأمین نیازهای خاص یک حوزه خاص، حمایت از گروه‌های خاص، تسهیل روابط حقوقی یا انطباق با تحولات اقتصادی و اجتماعی ایجاد شوند. مثلاً، در نظام حقوقی ایران اصولی چون «بطالان نسبی» در قانون تجارت و «حق انصراف» در قانون تجارت الکترونیک به رسمیت شناخته شده‌اند؛ در حالی که این مفاهیم در قانون مدنی وجود ندارند. این تفاوت‌ها از آنجا ناشی می‌شود که حقوق تجارت با ماهیت خاص خود به روابط و معاملات ویژه‌ای پرداخته است که نیاز به اصول متفاوتی نسبت به حقوق مدنی دارند؛ به‌ویژه، یکی از دلایل این تفاوت نیاز به سرعت و تسهیل در انجام معاملات تجاری است. اصول حقوق تجارت به طور عمده با هدف تسهیل و تسریع در روند معاملات تجاری تدوین می‌شوند که ممکن است با اصول سنتی و پیچیده حقوق مدنی مغایرت داشته باشند. علاوه بر این، حقوق تجارت تحت تأثیر گسترده عرف و رویه‌های تجاری قرار دارد که می‌تواند منجر به پذیرش اصولی متفاوت از اصول حقوق مدنی شود. در این زمینه، قانون تجارت ایران با استفاده از اصول حقوقی پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی این امکان را فراهم می‌آورد تا قواعدی که در حقوق تجارت جهانی مورد تأسیس و تأیید قرار گرفته‌اند به راحتی وارد سیستم حقوقی داخلی شوند، حتی اگر این قواعد در حقوق مدنی سنتی جایی نداشته باشند. این امر به‌ویژه با توجه به ماهیت فراملی تجارت و جهانی شدن آن از

اهمیت زیادی برخوردار است. در زمینه «بطلان نسبی» دکتر کاتوزیان نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که این مفهوم با وجود اینکه در حقوق مدنی ایران به طور عمومی پذیرفته نشده است در حقوق تجارت ایران نمونه‌های فراوانی دارد و نمی‌توان از آن به‌راحتی گذشت. مثلاً، کاتوزیان بر این باور است که «نسبی بودن بطلان جنبه استثنایی دارد و نمی‌توان با قیاس به نمونه‌های معدود قانونی ادعا کرد که در هر جا بطلان با نظم عمومی ارتباط دارد مطلق است. در مواردی که برای حمایت از اشخاص مقرر شده است بطلان نسبی است و تنها افراد مورد حمایت می‌توانند آن را طرح و استناد کنند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۰۷).

رویکرد تفسیری سازگار

رویکرد تفسیر سازگار به عنوان رویکردی تلفیقی و منعطف راهکاری مناسب برای تفسیر قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران ارائه می‌دهد. این رویکرد با ایجاد تعادل بین احترام به مبانی قانون مأخذ و توجه به نیازهای داخلی امکان بهره‌مندی از تجربیات حقوقی سایر کشورها را فراهم و به توسعه و تکامل نظام حقوقی کمک می‌کند. ویژگی‌های اصلی رویکرد تفسیر سازگار عبارت‌اند از توجه به مبانی قانون مأخذ، انطباق با شرایط بومی، توجه به تحولات حقوقی، استفاده از رویه قضایی و توجه به اصول کلی حقوقی. تفسیرکننده باید به اصول و مبانی قانون مأخذ توجه کند تا درک درستی از فلسفه و هدف اصلی قانون داشته باشد. هم‌زمان، تفسیر باید با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حقوقی کشور مقصد صورت گیرد. به‌کارگیری قوانین مقتبس ممکن است صرفاً به صورت ترجمه باشد یا با همگام سازی قوانین مقتبس با اصول و قواعد بومی کشور استفاده‌کننده از قوانین مقتبس صورت گیرد. حتی در صورت ترجمه صرف قوانین مقتبس نیز از آنجا که این قوانین به رویه قضایی و دادگاه‌ها کشیده می‌شود، ناگزیر از تفسیر این قوانین بر اساس مبانی و قواعد کشور اقتباس‌کننده خواهیم بود. در ایران نیز در بومی‌سازی قوانین سعی شده است که تا حد امکان هماهنگی لازم بین قانون مدنی مقتبس و مبانی فقه اسلامی برقرار شود. لحاظ کردن احکام ازدواج و طلاق، ارث، ربا، وقف، هبه، وکالت و قواعد ضمان و دیات در مسئولیت مدنی از مجموعه تلاش‌ها برای اسلامی‌سازی این قوانین است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). با این حال سازگار کردن قوانین مقتبس با مبانی و قواعد در برخی موارد ممکن است با ایراداتی روبه‌رو باشد. مثلاً در قانون تجارت و تجارت الکترونیک کمتر شاهد اسلامی‌سازی هستیم و حتی در برخی موارد مطابق ادعای برخی این قوانین با فقه و شرع مغایرت‌هایی دارد (قرایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵۴ - ۴۵۰). مثلاً مواد مربوط به اسناد تجاری از جمله سفته و چک و خرید دین که با ربا مغایر است، مواد مربوط به شرکت‌های سهامی به دلیل عدم رعایت قاعده غرر، ماده ۱۳۱ قانون تجارت مبنی بر عدم امکان فسخ معاملات تجاری از مهم‌ترین مواد قانون تجارت است که با فتاوا و فقه شیعه مغایرت دارد. در مجموع نمی‌توان گفت قانون تجارت ایران کاملاً مطابق با موازین فقهی تدوین شده است (عرفانی و محمودی، ۱۴۰۱: ۶۴).

تفسیرکننده باید تحولات حقوقی در کشور مبدأ و مقصد را مد نظر قرار دهد و از رویه قضایی کشور مبدأ و مقصد برای درک بهتر نحوه اجرای قانون استفاده کند. همچنین تفسیر باید با اصول کلی حقوقی پذیرفته‌شده در نظام حقوقی داخلی سازگار باشد. یکی از نکات مورد توجه نویسندگان قانون همخوانی و انطباق آن با شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران بوده است. اساساً قوانین مقتبس اگرچه خود تابعی از شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور وضع‌کننده قانون است، با بهره‌گیری آن ناگزیر با تطبیق این قوانین با شرایط اجتماعی و فرهنگی در کشور استفاده‌کننده از قوانین مقتبس هستیم. قواعد مربوط به معاملات همچون بیع، اضافه کردن مقررات مربوط به نهاد وقف و امور خیریه، تعدیل مواد مربوط به ربا و سود بازرگانی، تفصیل بیشتر مسائل مربوط به طلاق توافقی، توجه به عرف و عادات محلی در تنظیم روابط حقوقی از جمله موارد در خصوص اصلاح و تغییر برخی مواد برای انطباق با شرایط اجتماعی و فرهنگی است که بدان اشاره شده است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۶۷).

مزایای این رویکرد شامل انسجام حقوقی، کارآمدی، انعطاف‌پذیری و همگرایی حقوقی است. این رویکرد به حفظ انسجام نظام حقوقی کمک می‌کند و از ایجاد تعارض بین قوانین مقتبس و قوانین داخلی جلوگیری می‌کند. همچنین با توجه هم‌زمان به مبانی قانون مأخذ و شرایط بومی به تفسیری کارآمد و قابل اجرا منجر می‌شود. با این حال، چالش‌هایی نیز در اجرای این رویکرد وجود دارد. تعارض احتمالی بین اصول قانون مأخذ و قوانین داخلی، نیاز به تخصص در حقوق تطبیقی و آشنایی با نظام حقوقی کشور مبدأ و زمان‌بر بودن فرایند تفسیر از جمله این چالش‌ها هستند. برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی مانند تصمیم‌گیری بر اساس مصالح عمومی و اصول حقوقی برتر، برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و حقوقدانان، و ایجاد کمیته‌های تخصصی

برای بررسی و ارائه نظرات مشورتی پیشنهاد می‌شود. در نهایت، رویکرد تفسیر سازگار با ایجاد تعادل بین احترام به مبانی قانون مأخذ و توجه به نیازهای داخلی راهکاری مناسب برای تفسیر قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران ارائه می‌دهد. این رویکرد ضمن حفظ هویت حقوقی داخلی امکان بهره‌مندی از تجربیات حقوقی سایر کشورها را فراهم می‌کند و به توسعه و تکامل نظام حقوقی کمک می‌کند.

نتیجه

این پژوهش با بررسی چالش‌های تفسیر قوانین مقتبس در نظام حقوقی ایران اهمیت کارکردها و رویکردهای مختلف در تفسیر این قوانین را مورد تحلیل قرار داد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد تفسیر صحیح قوانین مقتبس نقش حیاتی در فهم دقیق‌تر و اجرای مؤثرتر این قوانین دارد و به هماهنگی بیشتر نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی کمک می‌کند. در بررسی رویکردهای تفسیری سه رویکرد اصلی شناسایی شد: رویکرد تفسیری سنتی، رویکرد استثناگرایی حقوقی، رویکرد تفسیر سازگار. رویکرد تفسیری سنتی که بر اساس اصول و مبانی حقوقی داخلی عمل می‌کند اگرچه به حفظ انسجام نظام حقوقی کمک می‌کند، ممکن است منجر به نادیده گرفتن اهداف و مبانی اصلی قوانین مقتبس شود. رویکرد استثناگرایی حقوقی که بر توجه به منشأ قانون مقتبس تأکید دارد می‌تواند به درک بهتر مفاهیم وارداتی کمک کند، اما ممکن است با چالش‌هایی در سازگاری با نظام حقوقی داخلی مواجه شود. در این میان، رویکرد تفسیر سازگار که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت به نظر می‌رسد راه حل مناسب‌تری برای تفسیر قوانین مقتبس ارائه می‌دهد. این رویکرد با ایجاد تعادل بین احترام به مبانی قانون مأخذ و توجه به نیازهای داخلی امکان بهره‌مندی از تجربیات حقوقی سایر کشورها را فراهم و هم‌زمان به حفظ هویت حقوقی داخلی کمک می‌کند. بررسی مصادیق قوانین مقتبس مانند بطلان نسبی و حق انصراف نشان داد چالش‌های تفسیری این مفاهیم عمدتاً ناشی از تفاوت در مبانی اعتبار آن‌ها در نظام حقوقی مبدأ و مقصد است. رویکرد تفسیر سازگار می‌تواند با بررسی دقیق مبانی فلسفی و حقوقی این مفاهیم در نظام حقوقی مبدأ و تطبیق آن‌ها با اصول و قواعد فقهی و قانونی ایران راهکارهایی برای حل این چالش‌ها ارائه دهد. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که موفقیت در انطباق و اجرای قوانین مقتبس مستلزم تفسیر دقیق آن‌ها با در نظر گرفتن شرایط بومی است. این امر نیازمند توجه به عناصر مختلفی از جمله سازگاری با قانون اساسی، انطباق با اصول فقهی، هماهنگی با سایر قوانین موضوعه و توجه به نیازها و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور است. به نظر می‌رسد برای بهبود فرایند تفسیر قوانین مقتبس تدوین چارچوب تفسیری مشخصی ضروری است. این چارچوب باید شامل اصولی باشد که به قضاوت و حقوقدانان در تفسیر این قوانین کمک کند. از جمله این اصول می‌توان به لزوم بررسی مبانی قانون مأخذ، توجه به اهداف قانونگذار، در نظر گرفتن سازگاری با نظام حقوقی داخلی و تلاش برای ایجاد هماهنگی بین اصول وارداتی و بومی اشاره کرد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در فرایند اقتباس قوانین توجه بیشتری به سازگاری مفاهیم و اصول با نظام حقوقی ایران صورت گیرد. این امر می‌تواند از طریق مطالعات تطبیقی دقیق قبل از تصویب قوانین و همچنین ارائه تفاسیر رسمی همراه با قوانین مقتبس انجام شود. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر قوانین مقتبس فرایندی پویا و مستمر است که نیازمند توجه مداوم به تحولات حقوقی در کشور مبدأ و مقصد است. رویکرد تفسیر سازگار می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب، ضمن حفظ هویت حقوقی داخلی، امکان بهره‌مندی از تجربیات حقوقی سایر کشورها را فراهم و به توسعه و تکامل نظام حقوقی ایران کمک کند.

منابع

- ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۸). مطالعه مفهوم و آثار حسن نیت. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۶(۴۱)، ۶۱ - ۹۰.
- ابهری، حمید؛ فاطمیان، امیرمسعود و حسنی، علی‌رضا (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر حقوق اسناد الکترونیکی از منظر قوانین ایران، مقررات آنسیترال و حقوق فرانسه. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، س ۱۰، ش ۳۷، ۱ - ۳۰.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱). *اصول کلی قراردادهای حقوق مدنی* ۳. تهران: میزان.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵). *حقوق تجارت (کلیات)*. ج ۸. تهران: سمت.
- اصغری آق‌مشهدی، فخرالدین و ابویی، حمیدرضا (۱۳۸۹). حسن نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰(۲)، ۱ - ۲۰.
- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید (۱۳۸۵). *حقوق تعهدات*. تهران: میزان. ج ۱.
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. تهران: محراب فکر. ج ۱.
- بابایی‌مهر، علی (۱۳۸۸). تفسیر، اصول و مبانی آن در حقوق عمومی. *حقوق خصوصی*، ۱۴(۶).
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). *حقوق مدنی*. تهران: مجد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۰). اثر اراده در حقوق مدنی. *رساله دکتری*. رشته حقوق خصوصی. دانشگاه تهران.
- حبیبی، محمود (۱۳۹۲). *تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی*. تهران: میزان.
- حقیقی، محمدعلی و مرادی (۱۳۷۵). سعید، فرهنگ و اصطلاحات حقوقی. ج ۲. تهران: ترمه.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۴). بومی‌سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی. *حقوق اسلامی*، ۲(۷).
- درودیان، حسن (۱۳۷۳). *حقوق مدنی* ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران. ج ۴.
- رسایی‌نیا، ناصر (۱۳۸۹). *حقوق مدنی*. تهران: آوای نور.
- رضایی، علی (۱۳۸۹). اصول بنادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی آنسیترال. *پژوهش‌های حقوقی*، د ۹، ش ۱۷، ۴۳ - ۶۴.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۴). مروری بر منابع و مستندات قانون مدنی ایران در قواعد عمومی قراردادهای. *مدرس علوم انسانی*، د ۹، ش ۴۱، ۷۵ - ۸۸.
- الشریف، محمدی مهدی و سعدی، سید حسین (۱۳۹۳). تأملی بر ماهیت حق انصراف در قراردادهای الکترونیکی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، د ۵، ش ۱، ۱۳۳ - ۱۵۳.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۳). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: دراک. ج ۳.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۱). *اصول قراردادهای و تعهدات*. تهران: مجد.
- شبروی، عبدالحسین (۱۳۸۹). *حقوق تجارت بین‌الملل*. تهران: سمت.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). *دوره مقدماتی، حقوق مدنی تعهدات و قراردادهای*. ج ۵. تهران: میزان. ج ۲.
- عباسی، محمدرضا؛ فیضی‌چکاب، غلام‌نبی و آل کج‌باف، حسین (۱۴۰۰). واژه‌گزینی و ادبیان قانون تجارت در بوتۀ نقد. *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰(۴۷)، ۲۳۹ - ۲۵۷.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۸). *حقوق مدنی*. تهران: طه.
- عرفانی، محمود و محمودی، امیررضا (۱۴۰۱). بنیادهای اخلاقی حقوق در بوتۀ سیاست قانون‌گذاری با رویکرد به حقوق تجارت اسلامی. *آموزه‌های فقه و حقوق جزا*، س ۱، ش ۲، ۶۱ - ۸۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
- فاطمی قمی، سید محمد و زندیه، حسن (۱۳۹۶). *خاطرات سیاسی سید محمد فاطمی قمی*. تهران: انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قرایی، نکتتم؛ هدایی، علی‌رضا و اسحاقی، محمد (۱۴۰۰). امکان‌سنجی استنادپذیری ادله الکترونیک در فقه، با نگاهی به قانون تجارت الکترونیک. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۴(۲)، ۴۴۵ - ۴۶۷.
- قشقایی، حسین (۱۳۸۱). *شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی*. قم: بوستان کتاب.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). *فلسفه حقوق*. شرکت سهامی انتشار. ج ۴.
- _____ (۱۳۸۵). *قواعد عمومی قراردادهای*. تهران: شرکت سهامی انتشار. ج ۱ و ۲.

کاظمی، محمود (۱۳۸۸). قانون مدنی با فقه فارسی، جستاری در منابع و ساختار قانون مدنی ایران. پژوهش حقوق خصوصی، (۲۹)، ۲۴۹ - ۲۷۶.
 کریمی، عباس و ایزدپناه، غلامرضا (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه. تمدن حقوقی، (۸)، ۲۸۰ - ۲۹۳.
 کیانوری، کمال‌الدین (بی‌تا). بطلان و عدم نفوذ و آثار هر یک از آن دو در قراردادهای از نظر قانون مدنی و فقه اسلامی. تهران: جواهری.
 اللسان، مصطفی (۱۳۸۵). ایجاب و قبول معاملات الکترونیک. مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۳، ۳۳۷ - ۴۰۶.
 نوین، پرویز (۱۳۹۴). بطلان مطلق و بطلان نسبی در نظام حقوق خصوصی ایران با ارائه بحث تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلستان. تهران: گنج دانش.

- Adl, M. (1999). *Civil Law*. Tehran: Taha. (in Persian)
- Ahmadi, H. (2002). *General Principles of Contracts: Civil Law 3*. Tehran: Mizan. (in Persian)
- Amid, H. (1996). *Amid Dictionary*. Tehran: AmirKabir. (in Persian)
- Amiri Ghaem-Maghani, A. (2006). *Law of Obligations*. Tehran: Mizan. Vol. 1. (in Persian)
- Ansari, A. (2009). *Theory of Good Faith in Contracts*. Tehran: Jangal. (in Persian)
- Ansari, M. & Taheri, M.A. (2005). *Encyclopedia of Private Law*. Tehran: Mehrab-e Fekr. Vol. 1. (in Persian)
- Asghari Aghmashhadi, F. & Abouei, H.R. (2010). Good Faith in Contract Performance in English and Iranian Law. *Private Law Studies*, 40(2), 1-20. (in Persian)
- Babaei-Mehr, A. (2009). Interpretation, Its Principles and Foundations in Public Law. *Private Law*, 6(14), 167-196. (in Persian)
- Boroujerdi Abdeh, M. (2001). *Civil Law*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Dehkhoda, A.A. (1994). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran. Vol. 4. (in Persian)
- Doroudian, H. (1994). *Civil Law 3*. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Ebrahimi, Y. (2009). Study of the Concept and Effects of Good Faith. *International Law Journal*, 26(41), 61-90. (in Persian)
- Eslami, S. M.H & Ghanavati, J. (2010). Preference of Interpretation Against the Contract Drafter. *Comparative Law*, 15(1), 27-52. (in Persian)
- Faure, J. (1936). *Justa causa et bonne foi*. Lausanne: Tetley.
- Flour, J., Aubert, J.L., & Savaux, E (2002). *Les obligation, L acte juridique*. Paris.
- Gharaei, T., Hodaei, A.R., & Eshaghi, M. (2021). Feasibility of Citing Electronic Evidence in Jurisprudence, with a Look at the E-Commerce Law. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 54(2), 445-467. (in Persian)
- Ghashghaei, H. (2002). *Method of Interpreting Private Contracts*. Qom: Bustan-e Ketab. (in Persian)
- Hatami, H. (2008). The Rule of Precedence of Interpretation to the Detriment of the Oblige or the Contract Drafter. *Nameh-ye Mofid Journal*, 14(70), 77-94. (in Persian)
- Hekmatnia, M. (2005). Localization of Legal Institutions with an Islamic Approach. *Islamic Law*, 2(7), 61-78. (in Persian)
- Jafari Langroudi, M.J. (1989). *Family Law*. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
- Jafari Langroudi, M.J. (1991). The Effect of Will in Civil Law. *Doctoral dissertation*. Private Law. University of Tehran. (in Persian)
- (1996). *Extensive Terminology of Law*. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
- Jafari, A. (2015). *The Principle of Good Faith in Contracts*. Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)
- Karimi, A. & Izadpanah, Gh.R. (2021). Comparative Study of Ineffectiveness with Relative Nullity in Iranian and French Law. *Legal Civilization*, 4(8), 280-293. (in Persian)
- Katouzian, N. (2002). *Philosophy of Law*. Joint Stock Publishing Company. Vol. 4. (in Persian)
- (2006). *General Rules of Contracts*. Tehran: Joint Stock Publishing Company. Vol. 1 & 2. (in Persian)
- Kazemi, M. (2009). Civil Law with Persian Jurisprudence, An Inquiry into the Sources and Structure of Iranian Civil Law. *Private Law Research*, 8(29), 249-276. (in Persian)
- Kianouri, K. (n.d.). *Nullity and Ineffectiveness and the Effects of Each in Contracts from the Perspective of Civil Law and Islamic Jurisprudence*. Tehran: Javaheri. (in Persian)
- Mohseni, H. (2006). The Principle of Good Faith in Iranian Law with a Comparative Study. *Journal of Comparative Law Research*, 1(1), 218-248. (in Persian)
- Novin, P. (2015). *Absolute Nullity and Relative Nullity in the Iranian Private Law System with a Comparative Discussion in French and English Law*. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
- Posner, R. A. (2004). The Law and economics of contract interpretation. *Chicago Law school Review*, Vol. 229, 1-51.
- Rahpeyk, S. (2004). A review of the sources and documents of Iran's civil law in the general rules of contracts. *Modares Human Sciences Quarterly*, Vol. 9, No. 41, 75-88.

- Rasaeinia, N. (2010). *Civil Law*. Tehran: Avaye Noor. (in Persian)
- Shafaei, M.R. (1997). *Comparative Study of Changes in Contract Circumstances*. Tehran: Ghoghnoos. (in Persian)
- Shahidi, M. (2002). *Principles of Contracts and Obligations*. Tehran: Majd. (in Persian)
- Shams, A. (2004). *Civil Procedure*. Tehran: Darak. Vol. 3. (in Persian)
- Shiravi, A.H. (2010). *International Trade Law*. Tehran: Samt. (in Persian)